

چرا تقصیر باران نیست؟ !

همین باران که می بارد

شبی ، شاید برای ما

گل اندوه می بارد!...

...

نصیحت های پوسیده...

گلایه های تکراری...

نگاه خسته ی دیوار...

و ساعت های دیواری...

...

چشیدم خاطراتت را !...

کمی شیرین تر از گیلاس!

صدای کوچه ی دیروز...

بزن احمد ! بگیر عباس!

...

و توپ ساده ی کودن !

لباس شسته ی مادر...

سکوتی تا ته کوچه ...

سپس آهنگ زنگ در...

...

خطوط چهره ای خندان...

بخشید توپمان افتاد!...

هزاران بار می خواند

دل غمگین من در باد...

...

قرار روز یکشنبه ...

همیشه رنگ پاییز است!

هوایش ابری و تیره...

و تکرارش غم انگیز است!

...

رسیدم ، منتها دیدم

کسی در آن خیابان نیست !

نماندی تا بیایم من !...

نگو تقصیر باران نیست !...

...

